

اسناد و مصوبات نشست سوم
«اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

مهر ماه ۱۳۸۲

فهرست مطالب

بخش اول:

- ۵ _ گزارش نشست سوم
- ۱۳ _ بیانیه سیاسی و پلاتفرم
- ۲۱ _ اساسنامه

بخش دوم:

- ۲۵ _ قطعنامه درباره چشم انداز تحولات سیاسی
- ۳۷ _ قطعنامه درباره جنبش زنان
- ۴۱ _ قطعنامه در رابطه با جنبش کارگری

بخش سوم:

- ۴۷ _ پیام به زنان مبارز ایران
- ۵۳ _ پیام به جوانان و دانش جویان آزادی خواه
- ۵۵ _ پیام به زندانیان سیاسی
- ۴۷ _ پیام به طبقه کارگر ایران
- ۶۷ _ اطلاعیه پایانی نشست سوم

بخش اول:

گزارش نشست سوم

«اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

پس از سه سال تلاش در راه اتحاد نیروهای کمونیست و چپ از سوی مجموعه‌ای از نیروها و فعالین کمونیست ایران، سرانجام «نشست مشترک» سوم «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» تشکیل شد.

این نشست پس از یک تدارک سیاسی و با سه روز گفت‌وگو و تلاش مداوم سرانجام توانست به توافق نظرات مشترکی دست یابد و مفاد بیانیه سیاسی، پلاتفرم، آیین‌نامه سازمانی، قطعنامه‌هایی در باره اوضاع سیاسی ایران، وضعیت کارگران و زنان و همچنین پیام‌هایی به طبقه کارگر، زنان، دانش‌جویان و جوانان و زندانیان سیاسی ایران را به تصویب برساند و بنای یک نهاد مبارزاتی کمونیستی برای دخالت‌گری کمونیست‌ها در مبارزات همگانی مردم ایران، و تلاش در راه سازمان‌یابی طبقه کارگر ایران را عملاً آغاز کند.

این نهاد مبارزاتی نوین، بنا با آراء شرکت‌کنندگان نشست موسس آن، از این پس به نام «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» خوانده می‌شود و دارای یک «شورای هماهنگی» است که

امور مبارزاتی واحدهای خودمختار را در شهرها و کشورهای مختلف هماهنگ می‌کند و به همین منظور یک نشریه سازمان‌ده سیاسی-نظری رو به ایران انتشار می‌دهد.

طی سه روز نشست، روحیه همکاری و رفاقت انقلابی بین شرکت‌کنندگان برقرار بود و نشست توانست طی آن با روشی دمکراتیک دستور جلسه خود را مورد بررسی و تصویب قرار دهد.

*** روز اول نشست**

نشست روز اول، با شرکت هیئت نمایندگی و فعالین «حزب کمونیست ایران»، «حزب رنجبران ایران»، «سازمان فدائیان اقلیت»، «سازمان اتحاد فدائیان کمونیست»، «سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران»، «هسته اقلیت» و جمع زیادی از فعالین کمونیست برگزار شد.

در ابتدا یکی از اعضای شورای هماهنگی دور پیشین خوش آمد گفت و به یاد مبارزان جانباخته راه آزادی و سوسیالیسم یک دقیقه سکوت اعلام کرد و سپس با گزارش شورای هماهنگی، کار نشست آغاز گشت.

شورای هماهنگی گزارشی ارائه داد که در آن، روند پیشرفت تدارک سیاسی و مباحث و مبارزات «نشست مشترک» مورد اشاره قرار گرفته بود. این گزارش به مجموعه‌ای از فعالیت‌های مبارزاتی و همچنین ارائه طرح‌هایی در باره پلاتنفرم، آیین‌نامه، قطعنامه‌ها، نشریه، خبرنامه کارگری، رادیو و راه کارهای پیش‌برد مباحثات کنگره اشاره داشت.

پس از بحث و بررسی در باره گزارش شورای هماهنگی، اعضای شورا مسئولیت خود را برای تدارک سیاسی نشست سوم پایان یافته دانستند و کنار رفتند تا جای آنان را هیئت رئیسه منتخب جدید برای اداره و پیش برد جلسه بگیرد.

پس از انتخاب هیئت رئیسه جدید، آیین نامه پیش برد مباحث نشست که از سوی شورای هماهنگی پیشین تهیه و پیشنهاد شده بود در کلیت خود مورد تصویب قرار گرفت و مطابق دستور کار آن، بررسی و تصویب موارد زیر آغاز گردید:

بیانیه سیاسی و پلاتفرم و آیین نامه سازمانی، قطعنامه هایی درباره اوضاع سیاسی ایران، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش جویی و همچنین، پیام های سیاسی خطاب به کارگران، زنان، دانش جویان و جوانان و زندانیان سیاسی ایران و سرانجام بررسی مسایل مربوط به نشریه، خبرنامه کارگری، رادیو و جهت یابی ها، سازمان دهی و راه کارهای اداره و انتشار آن ها.

در آیین نامه پیش برد مباحث کنگره، نحوه تصویب مسایل به شرح زیر بود:

تصویب مسایل محوری و اساسی و استراتژیک اتحاد، مانند بیانیه سیاسی و پلاتفرم، آیین نامه سازمانی و نام اتحاد، با دو سوم آراء و تصویب دیگر مسایل، مانند قطعنامه ها و پیام ها و انتخاب اعضای شورای هماهنگی با اکثریت مطلق آرا (نصف + یک).

در پایان نشست روز اول، پس از مشخص شدن این نکات، کنفرانسی درباره مسایل زنان برگزار شد که طی آن مباحثی با

عنوان «چالشگری جنبش زنان و نقش جنبش چپ» ارائه شد.

* روز دوم نشست

روز دوم، با بحث در باره بیانیه سیاسی و پلاتفرم آغاز گشت. در این دور از مذاکرات، ۸ طرح پلاتفرم پیشنهادی از سوی نیروها و رفقای فعال که در بولتن مباحثات نیز منتشر شده بود، در دستور کار قرار گرفت.

این طرح‌های پلاتفرمی عبارت بودند از: طرح‌های شورای هماهنگی، حزب کمونیست ایران، حزب رنجبران ایران، و طرح‌های رفیق جابر کلیبی، رفیق جمشید اطمیابی، رفیق حسین متین، و رفیق فرهنگ.

حزب رنجبران ایران، و رفقا جابر کلیبی، جمشید اطمیابی و حسین متین، با توجه به مشاهدت‌های عمومی موجود، طرح‌های شان را پس گرفتند و قرار شد نهایتاً روی سه طرح باقی مانده بحث شود.

در ابتدا به هر یک از سه طرح مورد بحث ۲۰ دقیقه وقت دفاع داده شد و بحث عمومی روی آن‌ها آغاز گشت. پس از سه ساعت گفت‌وگو، مطابق آیین‌نامه پیش‌برد مباحثات، پیشنهاد هئیت رئیسه آن بود که هر سه طرح به رای گذاشته شود تا هر یک که اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان را به دست آورد به عنوان طرح پایه مورد بررسی قرار گیرد و پس از بحث بر روی آن، یک کمیسیون ویژه نکات اصلاحی پیشنهادی این طرح و طرح‌های دیگر را در آن وارد کند و نتیجتاً طرح تهیه شده‌نهایی به رای نشست گذاشته شود.

اما هیئت نمایندگی «حزب کمونیست ایران» و «سازمان اتحاد فدائیان کمونیست» و تنی چند از رفقای دیگر بر این نظر بودند که کمیسیون مربوطه، بی‌درنگ هر سه طرح را مورد بررسی قرار دهد و از مجموع آن‌ها یک طرح تازه تدوین کند و برای تصویب به نشست ارائه دهد.

این پیشنهاد، پس از یک دور گفت‌وگو مورد پذیرش قرار گرفت و کمیسیونی متشکل از رفقا در تدوین طرح‌های پلاتفرمی موجود تشکیل شد و به بحث و بررسی و تدوین یک طرح تازه بر مبنای طرح‌های سه‌گانه پرداخت.

هم‌زمان با کار کمیسیون پلاتفرم، نشست به بررسی و تصویب موارد دیگر پرداخت و طی ساعات بعد، طرح آیین‌نامه سازمانی مورد بررسی قرار گرفت.

تنها طرح آیین‌نامه پیشنهادی موجود که با توجه به همه طرح‌های پیشین از سوی شورای هماهنگی تهیه شده بود، تاکید بر نوعی سازمان‌دهی افقی داشت که هدفش دست‌یابی به یک فضای برابر و خلاق و دوری از یک ساختار بوروکراتیک بود.

دور بعدی گفت‌وگو و مباحثات به بررسی قطعنامه‌هایی درباره اوضاع سیاسی ایران، جنبش کارگری، جنبش مستقل زنان و جنبش دانش‌جویی اختصاص داشت.

این قطعنامه‌ها نسبت به پلاتفرم و آیین‌نامه سیاسی با سهولت بیش‌تری مورد بررسی قرار گرفت و تنها در زمینه قطعنامه مربوط به زنان، بحث‌های اصلاحی چندی به عمل آمد که درون جنبش

زنان و شرایط کنونی و نقطه عطف‌ها و جهت‌گیری‌های آن را بهتر روشن سازد.

این مباحثات، تا ساعت ۱۰ شب ادامه داشت و طی بیش از ۱۴ ساعت گفت‌وگو، مجموعه قطنامه‌های پیشنهادی و آیین‌نامه تشکیلاتی به یک کمیسیون سپرده شد تا با وارد کردن اصلاحات در آن‌ها برای روز بعد آماده و با قرائت نهایی در نشست به تصویب برسد.

* روز سوم

در آغاز سومین روز، کمیسیون بیانیه سیاسی و پلاتفرم، طرح خود را ارائه داد و نشست با بحث کوتاهی بر روی آن، ابتدا کلیات را مورد تصویب قرار داد و سپس به گفت‌وگو درباره مطالبات مشخص و پیشنهادات ارائه شده در آن پرداخت و سرانجام در ساعت ۱۲ کار تصویب بیانیه سیاسی و پلاتفرم با اکثریت قاطع (۹۶ درصد) آراء به پایان رسید.

تکلیف نام‌های پیشنهادی اتحاد نیز، بدون آن که زمان چندانی برای بررسی‌شان باقی مانده باشد با رای‌گیری روشن شد و در دور اول از میان نام‌های پیشنهاد هیچ‌کدام دو سوم آراء لازم را به دست نیاوردند. در دور دوم، نام «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» در مقابل «بلوک سوسیالیست‌های انقلابی ایران» اکثریت (۶۴ درصد) آراء را به دست آورد.

آیین‌نامه سازمانی نیز پس از تدوین کمیسیون، به اتفاق آراء مورد

تصویب قرار گرفت. قطعنامه‌ها نیز پس از باز خوانی به اتفاق آراء تصویب شدند.

سرانجام در ساعت سه بعد از ظهر، با توجه به روشن شدن تکلیف پلاتفرم و آیین‌نامه سازمانی و قطعنامه‌ها، عضوگیری حاضرین برای تشکیل عملی این اتحاد صورت گرفت تا امکان انتخابات اعضای شورای هماهنگی فراهم شود.

نامزدهای انتخاباتی شورای هماهنگی به صورت داوطلبانه و به شکل پیشنهادی معرفی و پس از رای‌گیری، ۹ نفر از رفاقا برای مدت یک سال به عنوان اعضای شورای هماهنگی انتخاب شدند تا ضمن تدوین و جمع‌بندی و انتشار مصوبات و اسناد کنگره «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، سیاست خود را در امر هماهنگ ساختن امور مبارزاتی روشن سازند، و در امر تشکیل واحدهای «اتحاد» در شهرها و کشورهای مختلف نظارت و راهنمایی کنند و با انتشار یک نشریه سازمان‌ده، موجبات یک مبارزه سیاسی نظری و سازمان‌دهی نیروها را فراهم سازند.

اعضای شورای هماهنگی عبارتند از:

عباس سماکار (منفرد)، نصرت تیمورزاده (منفرد)، فرهاد شعبانی (حزب کمونیست ایران)، پروین نیک آئین (سازمان فدائیان اقلیت)، بابک رحیمی (اتحاد فدائیان کمونیست)، محمد سلطانی (هسته اقلیت)، بهرام رحمانی (حزب کمونیست ایران)، حسین خاورانی (سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران) و اصلان

جوادزاده (سازمان فدائیان اقلیت).

سرانجام و پس از انتخاب شورای هماهنگی، بررسی مسایل مربوط به نشریه یا ارگان سیاسی خبری و جهت یابی ها، سازمان دهی و راه کارهای انتشار آن در دستور قرار گرفت و طی دو ساعت باقی مانده، یعنی از ساعت ۱۸ تا ۲۰ بر سر طرح ارایه شده از سوی شورای هماهنگی پیشین بحث و بررسی شد. مذاکرات جمع بر این مبنا بود که این ارگان خبری سیاسی و نظری، یک نشریه سازمان دهنده و رو به بیرون است و در راستای سازمان یابی طبقه کارگر، دخالت گری از موضع کارگری در مبارزات عمومی، و سازمان یابی مبارزات در خارج از کشور و همچنین طرح مباحث نظری سوسیالیستی منتشر خواهد شد. دوره انتشار در حال حاضر یک ماهه است و تلاش خواهد شد یک ضمیمه نظری نیز با دوره انتشاری متناسب با نیازها منتشر شود.

در پایان، رفقا به پا خاستند، تولد «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» را به یکدیگر تبریک گفتند و با خواندن سرود انترناسیونال و آرزوی پیروزی در راهی که در پیش گرفته اند نشست را به پایان بردند.

شورای هماهنگی «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

(نشست مشترک)

مهر ماه ۱۳۸۲

بیانیه سیاسی و پلانفرم

«اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

تحرك سیاسی گسترده‌ای جامعه ایران را در برگرفته است. رژیم جمهوری اسلامی درگیر یک بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیق است. این بحران ناشی از ماهیت نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران و بحرانی همه‌جانبه و ساختاری است.

در عین حال، مقاومت اجتماعی و مبارزات توده‌ای در گستره‌های گوناگون تداوم دارد و هر روز دامنه و ابعاد تازه‌ای می‌یابد.

دورنمای تحولات اجتماعی-سیاسی در ایران نیز، واکنش بلوک‌بندی‌های امپریالیستی را فعال‌تر و چون و چرا در رابطه با آغاز و انجام و سیر این تحولات و کنترل آن‌ها را به یکی از عرصه‌های رقابت بلوک‌بندی‌های متفاوت امپریالیستی تبدیل کرده است.

جمهوری اسلامی در تلاش است که از طریق نزدیکی به «اتحاد اروپا» و همچنین دادن امتیازهای معینی به امپریالیسم آمریکا، خود را از زیر بار فشارهای سیاست خارجی آمریکا، که به ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمود شدیداً میلیتاریستی یافته است، خارج نماید.

در عرصه سیاست داخلی کشمکش‌های دیپلماتیک دوره اخیر بازتاب چنین موقعیتی است. جمهوری اسلامی با همه گرایش‌ها و جناح‌بندی‌های درونی‌اش، در تلاش است که با تعدیل در

سیاست‌های خارجی خود را از یک سو و با نمایش چنین تعدیلی در سیاست داخلی، از سوی دیگر، بیش از پیش خود را با ملزومات سیاسی-اقتصادی سرمایه‌داری جهانی تطبیق دهد و همچنین، با تداوم سیاست سرکوب، راه را بر هرگونه گشایش انقلابی و آزادی خواهانه در ایران ببندد.

بر زمینه این فضای سیاسی و گسترش دم‌افزون جنبش‌های اعتراضی اجتماعی که طبقه کارگر در مرکز آن‌ها قرار دارد، بلوک‌بندی‌های سیاسی تازه‌ای در صفوف اپوزیسیون رژیم شکل گرفته است و یا در حال شکل‌گیری است:

صفوف جبهه «اصلاح طلبان» حکومتی موسوم به «دوم خرداد» ناتوانی و عجز ماهوی خود را در رابطه با پاسخ به شرایط بیان شده آشکار نموده و در شرف فروریختن کامل قرار گرفته است. بر همین مبنا، نیروها و گرایش‌های درونی و حاشیه‌ای آن، در درون و بیرون مرزهای ایران، دست‌اندرکار شکل دادن به پروژه‌های رفرمیستی تازه برای کنترل جنبش‌های رادیکال اجتماعی، جلوگیری از گسترش اندیشه‌های سوسیالیستی و مقابله با طرح ضرورت انقلاب برآمده‌اند.

گروه‌هایی از اپوزیسیون بورژوازی که از طریق فعال شدن جنبش‌های اجتماعی هیچ چشم‌اندازی برای دستیابی به قدرت سیاسی ندارند، دل به دخالت نظامی آمریکا در امور ایران بسته و در تلاش‌اند که با دامن زدن به توهّمات بی‌پایه و اشاعه روحیه صبر و انتظار، نیروی اعتماد به نفس و اتکا به خود را در توده‌های به جان آمده

مردم خنثی کرده و در غیاب جنبش توده‌ای و تعرض کارگری، با بند و بست و از بالا به قدرت سیاسی دست یابند. اما جنبش‌های اعتراضی اجتماعی به طور عام، و جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران به طور ویژه، فضای تنفسی خود را در چنین قفس تنگی ندیده و در واکنشی ناگزیر، دیوارهای محدود آن را در هم شکسته‌اند. از این رو، مبارزات رو به گسترش طبقه کارگر ایران در روندی از تجارب مستقیم، زمینه‌های ایجاد تشکل‌های مستقل و طبقاتی خود را جست و جو می‌کند.

بخش‌های رادیکال جنبش دانش‌جویی و تحرک جوانان ایران، خطوط کنترل جریان‌های اسلامی و «اصلاح‌طلبان» حکومتی را در هم ریخته‌اند و هیچ «خط قرمز» را به رسمیت نمی‌شناسند.

زنان جامعه ما، مرزهای توهم به تغییر شرایط اجتماعی خود تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را پشت سر نهاده‌اند و هر روز لایه‌های تازه‌ای از آنان در ابعادی گسترده و بی‌سابقه به مبارزات رودرو و شکستن بندهای اسارت‌شان روی می‌آورند.

مطالبات و مبارزات ملل ساکن ایران برای رفع ستم ملی و جنبش انقلابی مردم کردستان ایران روندی رو به گسترش دارد.

پروژه اصلاح‌طلبان، برای منحرف کردن و کنترل این جنبش‌های اعتراضی اجتماعی، و غلبه بر آن‌ها با بن بست روبه‌رو شده است.

«اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، در برخورد به این چالش‌های اجتماعی، جایگاه خود را در میان مبارزات طبقاتی کارگران ایران می‌یابد. مبارزات ما، در پاسخ انقلابی به شرایط بیان

شده، اهداف به هم پیوسته: سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی، برقراری حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان، و تحقق جامعه سوسیالیستی را دنبال می‌کند.

تحقق این استراتژی، اما، تنها به نیروی آگاهی، تشکل و انقلاب کارگران و توده‌های ستم‌دیده و محروم ممکن خواهد بود. حضور متشکل و مستقل طبقه کارگر آگاه به منافع خود در صحنه سیاسی ایران، می‌تواند مبارزات زنان، جوانان، ملیت‌های تحت ستم و همه گروه‌های اجتماعی آزادی‌خواه و مترقی را برای رسیدن به خواسته‌هایشان به جلو سوق دهد.

سرنگونی جمهوری اسلامی، از نظر ما، از مسیر سازمان‌یابی و آمادگی طبقه کارگر ایران نتایج انقلابی خود را به جا می‌گذارد. از این رو، وظیفه‌ای سنگین بر دوش تمامی نیروها و فعالین کمونیستی که به آرمان‌های سوسیالیستی طبقه کارگر وفا دارند و خواهان تحقق خواسته‌های توده‌ها هستند، قرار دارد.

کمونیست‌ها وظیفه دارند که توطئه‌های ارتجاعی بورژوازی برای منحرف ساختن و سرکوب جنبش طبقاتی را افشاء کنند و با تقویت جنبش سوسیالیستی، تلاش برای وقوع انقلاب اجتماعی و تحقق خواست‌های عمومی را پی گیرند. مانع عمده در راه انجام وظایف کمونیستی، پراکندگی و تشتت نظری سیاسی‌ست. غلبه بر این پراکندگی و تشتت، کوشش مشترک همه کمونیست‌ها را می‌طلبد.

بدین سان «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، پوشش مشترک فعالیت نیروهایی است که ضمن مرزبندی قاطع با رفرمیسم، بر مبنای توافقات انقلابی بیان شده، تحقق خواسته‌های مشخص زیر را شرط آغاز تغییرات واقعی در وضعیت دردناک کارگران و زحمت‌کشان و توده‌های محروم مردم ایران و پیشروی به سوی تحقق سوسیالیسم می‌دانند:

۱- تحول در ساختار قدرت سیاسی

— انتقال همه قدرت به شوراها و فراخوان کنگره عالی سراسری نمایندگان شوراها و کارگران و زحمتکشان به عنوان عالی‌ترین نهاد قانون‌گذاری و اجرایی جامعه.

۲- تحول در مناسبات حقوقی سیاسی و مدنی جامعه

— تامین و تضمین بدون قید و شرط آزادی اندیشه، بیان، نشر و مطبوعات.

— آزادی احزاب، اجتماعات، تظاهرات، اعتصابات و حمایت از شکل‌گیری و فعالیت تشکل‌های دموکراتیک توده‌ای و صنفی.

— جدایی دین از دولت و نظام آموزشی، لغو مذهب رسمی و آزادی در انتخاب مذهب و یا نداشتن اعتقاد مذهبی.

— تضمین حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای همه ساکنین جامعه بدون در نظر گرفتن عقیده، نژاد، جنسیت و ملیت.

— لغو کلیه قوانین سرکوبگرانه علیه همجنس‌گرایان و تضمین حقوق

فردی و اجتماعی آنان.

– لغو مجازات اعدام و اعمال هرگونه شکنجه جسمی و روحی و تضمین حق محاکمه علنی.

۳_ تحول در مناسبات اقتصادی

– استراتژی طبقه کارگر، لغو مالکیت خصوصی و کار مزدی و تحقق مناسبات سوسیالیستی است. از این رو، کنگره نمایندگان شوراها با حرکت از نیازها و منافع طبقه کارگر، مسایل و مطالبات زحمتکشان شهر و روستا و توده‌های محروم جامعه و نیز به سوی پیشروی و تعمیق انقلاب، تدابیر و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی را اتخاذ و اجرا خواهد کرد.

۴_ اقدامات فوری در رابطه با تغییر وضعیت زنان

– لغو فوری همه قوانین و مناسبات مبتنی بر تبعیض جنسی و تامین برابری کامل زنان و مردان در حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

– مبارزه با همه عقاید و سنت‌های مردسالار و پدرسالار و برنامه‌ریزی ویژه اجتماعی برای برچیدن همه بقایا و آثار جامعه مردسالار از زندگی فردی و اجتماعی زنان.

– مقابله با اعمال خشونت علیه زنان و لغو کلیه قوانینی که اسارت و بردگی آنان را در خانواده و جامعه تداوم می‌بخشد.

۵_ اقدامات فوری در رابطه با کودکان و نوجوانان

- _ لغو کار کودک و حل معضل کودکان خیابانی.
- _ ممنوعیت تنبیه فیزیکی و روانی کودکان و لغو همه قوانینی که سوءاستفاده جنسی از کودکان را ممکن می‌سازد و مجازات کسانی که از این امر تخطی می‌کنند.
- _ تامین کلیه امکانات آموزشی، رفاهی و ورزشی که رشد سالم و شکوفایی استعدادهای کودکان و نوجوانان جامعه را تضمین می‌کند.

۶_ مساله ملی و حقوق ملل ساکن ایران

- _ تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خود، تا جدایی کامل، به عنوان یگانه راه تحقق وحدت آگاهانه و آزاد ملل ساکن ایران.
- _ لغو همه قوانین و مناسباتی که ستم ملی و تداوم آن را ممکن ساخته‌اند و تضمین حقوق برابر برای همه ملل ساکن ایران در مقیاس سراسری.

مبارزه برای تحقق اهداف بالا، در متن جنبش‌های واقعی اجتماعی جریان دارد. از این رو «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، از هرگونه مبارزه آزادی خواهانه و حق طلبانه علیه رژیم جمهوری اسلامی و هر جنبش برابری طلبانه که پیگیرانه خواهان از میان برداشتن اشکال مختلف سلطه، تبعیض و نابرابری‌های طبقاتی، سیاسی، جنسی، ملی و فرهنگی باشد پشتیبانی می‌کند.

موقعیت عینی طبقه کارگر و ماهیت اهداف مبارزاتی این طبقه و

اعتبار و ارزش‌های برابری طلبانه و سوسیالیستی در جامعه ایران، زمینه و بستر مادی حرکت «اتحاد انقلابی» را تشکیل می‌دهد که بی‌تردید، دامنه و گستره واقعی آن بسیار فراتر از میزان نمود و فعالیت‌های سازمانی نیروهای سیاسی شناخته شده موجود است. از این رو، «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» به مثابه یک حرکت کمونیستی و رادیکال و انترناسیونالیستی چشم‌انداز روشنی را پیش رو دارد.

ما، همه نیروها و افرادی را که جای خود را در این هماهنگی سیاسی و مبارزاتی می‌بینند، صمیمانه فرامی‌خوانیم که به جمع ما بپیوندند و از این سنگر انقلابی، نقش شایسته و ضروری خود را در تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران ایفا کنند.

*

اساسنامه

«اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

نام:

— اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران

تعریف:

— «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، تشکلی است از افراد و نیروهای سیاسی کمونیست و چپ که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان در ایران مبارزه می کند.

عضویت:

— هر کس اهداف، مصوبات و ضوابط تشکیلاتی این «اتحاد» را بپذیرد، در راه اهداف آن فعالیت کند، حق عضویت بپردازد و دو عضو «اتحاد» معرف وی باشند، می تواند به عضویت «اتحاد» درآید.
— حداقل سن عضویت ۱۶ سال می باشد.
— عضویت در این اتحاد فردی است.

واحدها:

— واحدها فعالیت خود را در چارچوب مصوبات مجمع عمومی و سیاست های سراسری «شورای هماهنگی» به

پیش خواهند برد و از خودمختاری محلی برخوردارند.
– واحدها ارگان محلی این اتحادند و حداقل در
برگیرنده ۳ نفر از فعالین اتحاد در هر محل خواهند
بود.

مجمع عمومی:

– مجمع عمومی عالی‌ترین ارگان این اتحاد است و
سالی یک بار تشکیل می‌شود.
– مجمع عمومی کارکرد یک‌ساله را بررسی می‌کند و
سیاست‌های سال بعد را مشخص می‌سازد.
– مجمع عمومی با حضور دو سوم آراء رسمیت می‌یابد.
– از واحدهایی که تمامی اعضاء قادر به شرکت در
مجمع نیستند، به ازاء هر سه عضو یک نماینده
انتخاب می‌شود.
– دعوت و شرکت افرادی که امکان عضویت در یک
واحد محلی را ندارند، توسط شورای هماهنگی انجام
می‌شود.

تبصره:

– مجمع عمومی فوق‌العاده با درخواست نصف به علاوه
یک اعضاء و یا دو سوم اعضاء شورای هماهنگی فراخوان
داده می‌شود.
– تصویب بیانیه‌ها، پلاتفرم و اساسنامه با دو سوم آراء

و در دیگر موارد با نصف به علاوه یک آراء خواهد بود.

– هر عضو اتحاد می‌تواند با رای مشورتی در مجمع عمومی شرکت کند.

تبصره:

– جهت شرکت در مجمع عمومی حداقل سه ماه عضویت در این اتحاد الزامی است.

– مجمع عمومی با رای مخفی، «شورای هماهنگی» را انتخاب می‌کند.

کمیته یا کمیسیون‌های کاری ویژه:

– این کمیته یا کمیسیون‌ها (مانند کمیسیون کارگری، کمیسیون زنان، کمیسیون جوانان، کمیته فرهنگی و غیره)، می‌تواند برای پیش‌برد فعالیت‌های مشخص با خواست و ابتکار اعضای «اتحاد» تشکیل شود.

– توافق «شورای هماهنگی» برای ایجاد این کمیسیون‌ها ضروری است.

– در این «اتحاد» حق ایجاد فراکسیون به رسمیت شناخته می‌شود.

((شورای هماهنگی)):

– «شورای هماهنگی» ارگانی است که در فاصله دو

- «مجمع عمومی» مسئولیت پیش برد سیاست‌ها و اجرای مصوبات مجمع عمومی را بر دوش دارد.
- تصمیم‌گیری در «شورای هماهنگی» متکی بر بحث و اقناع و در مواردی که توافق همگانی وجود نداشته باشد با دو سوم رای موافق اعضای آن خواهد بود.
- هیچ‌یک از اعضای اتحاد نمی‌تواند بیش از دو دوره متوالی عضو «شورای هماهنگی» باشد.
- تعداد اعضاء «شورای هماهنگی» در حال حاضر ۹ نفر می‌باشد.
- مسئولیت سازمان‌دهی و انتشار نشریه بر عهده «شورای هماهنگی» است.

تبصره:

- عضوگیری فعالین داخل کشور مستقیماً بر عهده «شورای هماهنگی» است.

قطعه‌نامه درباره چشم‌انداز تحولات سیاسی

۱- سرمایه‌داری در مقیاس جهانی با تضادها و بحران‌هایی ژرف روبه‌روست. حدت تضادهای سیستم سرمایه‌داری از مدت‌ها پیش به آن مرحله رسیده است که تمام این سیستم را با بحران‌های مداوم و همه‌جانبه روبه‌رو ساخته است.

این بحران‌های ژرف بیانگر این واقعیت‌اند که نظام سرمایه‌داری بیش از پیش به یک مانع تاریخی تبدیل شده است. بورژوازی جهانی که راه حلی برای بحران مستمر و ساختاری موجود ندارد، با در دستور کار قرار دادن نتولیبرالیسم، کوشیده است با تعرض مداوم به سطح معیشت و حقوق و دستاوردهای کارگران، بار این بحران را بیش از پیش به دوش طبقه کارگر در مقیاس جهانی بیاندازد. لذا سطح معیشت کارگران پیوسته در حال تنزل است. بیکاری ابعاد میلیاردي به خود گرفته است و صدها میلیون تن از مردم جهان به ویژه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین با گرسنگی و مرگ تدریجی روبه‌رو هستند. با این همه بحران به جای خود باقی است.

در نتیجه این بحران، تضادهای طبقاتی در مقیاس جهانی تشدید شده است. جنبش طبقاتی کارگران با اعتلا نوبنی روبه‌رو شده است. مبارزه کارگران در اشکال متعدد وسعت و گسترش یافته است.

جنبش جهانی ضد سرمایه داری، ضد امپریالیستی و ضد جهانی سازی موسوم به آنتی گلوبالیزاسیون، به یکی از جنبش های پر قدرت جهانی تبدیل شده است که صدها هزار تن از سراسر جهان در آکسیون های اعتراضی آن شرکت می کنند. با حضور روزافزون اتحادیه های کارگری و احزاب و سازمان های کمونیست در این جنبش، سیمای طبقاتی آن برجسته تر می شود. گرایش روزافزون بورژوازی انحصاری جهان به ارتجاع سیاسی و جنگ، بیان دیگری از بحران های لاینحل سیستم سرمایه داری و پوسیدگی آن است. حقوق سیاسی و آزادی های سیاسی مردم حتی در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری در معرض دستبردهای مداوم قرار گرفته است. تضییقات سیاسی پیوسته در حال افزایش است. رشد نفوفاشیسم و به قدرت رسیدن راست ترین و هارترین احزاب سیاسی در اغلب کشورهای اروپایی و در آمریکا، نشان دهنده تشدید تمایلات بورژوازی به ارتجاع سیاسی است.

رشد میلیتاریسم و تمایلات جنگ طلبانه انحصارات بین المللی بیان دیگری از تشدید تناقضات و بحران های نظام سرمایه داری جهانی است. بورژوازی برای نجات خود از بحران، بیش از پیش جنگ را در دستور کار خود قرار داده است تا با کشتار میلیون ها انسان و تخریب نیروهای مولده به مقاصد ضدانسانی خود جامه عمل بپوشاند. تجاوز نظامی آمریکا و انگلیس به عراق و اشغال نظامی این کشور، تنها یک نمونه از جنگ های توسعه طلبانه و اشغالگرایانه امپریالیست هاست.

به رغم مخالفت افکار عمومی جهان و تظاهرات گسترده ای که در

سراسر جهان علیه جنگ و اشغالگری و کشتار صورت گرفت، آمریکا برای پیش برد سیاست‌های امپریالیستی خود در خاورمیانه، جنگی را برافروخت که تنها نتیجه آن برای توده‌های زحمتکش مردم عراق، ویرانی این کشور، مرگ، فقر، گرسنگی و اسارت است. بر بستر این بحران‌ها، تضاد قطب‌های امپریالیستی و منازعه آن‌ها بر سر تقسیم مجدد جهان، در یک دور بی‌انتها در حال تشدید شدن است و خطر برافروخته شدن جنگ‌های وسیع را بیش‌تر می‌کند. این خطر در خاورمیانه هم‌اکنون به یک واقعیت بالفعل تبدیل شده است. این منطقه از جهات مختلف اقتصادی و سیاسی-نظامی و جغرافیایی، به عرصه کشمکش و منازعه قدرت‌های امپریالیست جهان تبدیل شده است. چرا که این منطقه انبار بزرگ ذخیره تامین انرژی صنایع جهان سرمایه‌داری و بازار پررونقی برای سرمایه‌گذاری و فروش کالاهای انحصارات جهانی است. این منطقه که مجموعه‌ای از تضادهای داخلی و بین‌المللی در آن به هم گره خورده‌اند، یکی از کانون‌های بحران جهانی است.

۲- در منطقه خاورمیانه ایران اکنون با یک بحران سیاسی ژرف روبه‌روست. این بحران که بر بستر یک‌رشته تضادهای سیاسی و اجتماعی و بحران اقتصادی ساختاری در ایران شکل گرفته است، در اساس منتج از لاینحل ماندن و تشدید تضادهایی است که یک ربع قرن پیش به انقلابی توده‌ای و سرنگونی رژیم سلطنتی محمدرضاشاه در قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انجامید.

این تضادها در همان حال که برخاسته از نظام سرمایه‌داری حاکم بر

ایران و نیاز به دگرگونی شیوه تولید سرمایه‌داری بودند، با تضادهایی همراه شدند که برخاسته از بقایای موسسات و نهادهای ماقبل سرمایه‌داری به ویژه در روبنای سیاسی بودند. از این رو مبارزه طبقه کارگر و توده‌های تهیدست برای دگرگونی نظام سرمایه‌داری، با مبارزه عمومی توده مردم برای کسب آزادی‌ها، حقوق دموکراتیک و بهبود شرایط زندگی خود درهم آمیخت و به یک انقلاب و سرنگونی رژیم شاه انجامید.

اما با وجود این که طبقه کارگر ایران و توده‌های زحمتکش بار این انقلاب را به دوش کشیدند و نقش اصلی را در برپایی اعتصابات، تظاهرات و قیام بر عهده گرفتند، به این علت که طبقه کارگر از سازمان‌دهی و آگاهی طبقاتی لازم و بالنتیجه استقلال طبقاتی و سیاسی برخوردار نبود، نتوانست رهبری این جنبش را به دست بگیرد و انقلاب را به سرانجام پیروزمندش برساند. بورژوازی از این ضعف جنبش استفاده کرد، ابتکار عمل را مجدداً به دست گرفت و رژیم بورژوازی - مذهبی جمهوری اسلامی جای رژیم سلطنتی را گرفت.

جمهوری اسلامی وظیفه‌ای جز این نداشت که با سرکوب و قهر عریان تمام دست‌آوردهای کارگران و زحمتکشان و توده وسیع مردم را بازپس بگیرد. ضدانقلاب اما به نام انقلاب، با خشن‌ترین و ضدانسانی‌ترین شیوه‌ها به مقابله با انقلاب برخاست. جنبش کارگری و کمونیستی را سرکوب کرد. حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم از آن‌ها بازپس گرفته شد و اختناق هولناک را بر ایران حاکم ساخت. مخالفین حکومت در معرض وحشیانه‌ترین سرکوب،

زندان، کشتار و اعدام‌های گسترده و دسته‌جمعی قرار گرفتند. زنان از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود محروم شدند و سلب حقوق زنان تا آپارتاید جنسی بسط یافت. ملت‌های تحت ستم، به ویژه مردم تحت ستم کردستان با بیرحمانه‌ترین سرکوب و کشتار روبه‌رو کرد. دانشگاه‌ها به خون کشیده شدند و هزاران دانش‌جو و استاد مترقی اخراج، صدها تن دستگیر، ده‌ها تن در همان دانشگاه‌ها به قتل رسیدند.

جمهوری اسلامی جنگ را وسیله‌ای در خدمت مقاصد ارتجاعی و سرکوبگرانه و تحمیل هرچه بیش‌تر اختناق قرارداد و صدها هزار تن از مردم ایران را به کشتارگاه فرستاد و یا معلول کرد.

رژیم با این وحشی‌گری، اوضاع را تحت کنترل درآورد و موقتا بر بحران سیاسی غلبه کرد. اما تضادها به جای خود باقی ماندند و با تشدید سرکوب و تلفیق کامل دین و دولت و وخامت روزافزون وضعیت مادی کارگران و زحمتکشان تشدید شدند.

بحران اقتصادی استمرار یافت و شرایط زندگی توده زحمتکش مدام وخیم‌تر شد. از اواسط دهه ۶۰، هنگامی که رفسنجانی در راس قدرت اجرایی قرار گرفت، رژیم تلاش نمود تا با یاری گرفتن از انحصارات جهانی و قدرت‌های امپریالیست و اجرای برنامه‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همراه به خدمت گرفتن مدیران، متخصصان اقتصادی و تکنوکرات‌های مجری این برنامه، با تعدیل‌های محدود در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی بحران اقتصادی را حل یا تعدیل کند، اما پس از گذشت ۸ سال از

اجرای این برنامه اقتصادی که همراه با تضییقات و فشارهای متعدد به طبقه کارگر، اخراج‌های گسترده کارگران، بیکاری وسیع، گرانی و نرخ‌های بالای تورم، تشدید فقر و گرسنگی و تعمیق شکاف میان فقر و ثروت بود، بحران اقتصادی به درجه‌ای عمق و گسترش یافت که پی‌آمد آن، رشد اعتراض و مبارزه وسیع‌تر کارگران و توده‌های تهیدست و شورش‌های گرسنگان حاشیه شهرهای بزرگ بود. برنامه رفسنجانی برای حل این بحران با شکست روبه‌رو شده بود و این نشان داد که:

اولا - بحران اقتصادی سیستم سرمایه‌داری در ایران عمیق‌تر از آن است که در چارچوب نظم موجود حتی تعدیل شود.

ثانیا - با وجود روبنای سیاسی موجود که تلفیق دین و دولت به یکی از خصوصیات بارز آن تبدیل شده و اختناق و بی‌حقوقی هولناکی را به مردم تحمیل کرده است، حل این بحران ممکن نیست.

ثالثا - در شرایطی که کل جهان سرمایه‌داری با یک بحران ساختاری و مزمن لاینحل روبه‌روست، حلقه‌های ضعیف‌تر سیستم جهانی سرمایه‌داری نظیر ایران، تحت تاثیر این بحران از امکانات محدودتری برای تعدیل برخوردارند.

۳ - توام با اعتلا مبارزات کارگران و شورش‌های تهیدستان و گرسنگان در پی تشدید بحران اقتصادی، بحران سیاسی نیز مجدداً آغاز به پیدایش نهاد این بدان معنا بود که سیاست‌های جمهوری اسلامی در تمام عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی با

شکست روبه‌رو شده است و رژیم دیگر نمی‌تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند.

با رشد و اعتلای بیش‌تر مبارزات علنی کارگران و زحمتکشان، زنان و دانش‌جویان این حقیقت آشکار شد که مردم دیگر نمی‌خواهند وضع موجود را تحمل کنند.

شکست سیاست‌های رژیم و گسترش مبارزات توده‌ای، به تناقضات و شکاف‌های نوینی در درون هیات حاکمه انجامید. بحران سیاسی عمیق‌تر و ژرف‌تر شد. جریان موسوم به دوم خرداد، بدیل بورژوازی برای مهار این بحران، کنترل جنبش‌های اجتماعی و سد کردن راه انقلاب، از طریق حک و اصلاح در روبنای سیاسی، دادن امتیازات ناچیز به مردم، تطبیق بیش‌تر سیاسی و اقتصادی با سیاست‌های انحصارات و قدرت‌های امپریالیستی و بسط پایه طبقاتی رژیم بود. بخش‌های وسیعی از اپوزیسیون بورژوایی و گروهی از روشنفکرانی که برای حفظ نظم موجود، پشت سر خاتمی و جبهه موسوم به دوم خرداد قرار گرفته و به همراه بورژوازی بین‌المللی به حمایت و پشتیبانی از برنامه وی برخاستند، توهم پراکنی گسترده‌ای را در مورد اصلاحات، آزادی، جامعه مدنی، و بهبود اوضاع معیشتی مردم در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی سازمان دادند. در آغاز بخش وسیعی از مردم تحت تاثیر این توهومات قرار گرفتند. اما چندان نگذشت که این توهومات به سرعت فرو ریخت. هیچ‌یک از وعده‌های داده شده عملی نشد و پروژه باصطلاح اصلاحات با شکست روبه‌رو گردید.

این شکست بار دیگر این حقیقت را برملا کرد که تضادهای موجود، راه حلی در محدوده نظم کنونی ندارند و راه حل خود را فراتر از نظم موجود و خارج از آن می‌طلبند. علت اصلی شکست همین بود. از سویی مطالبات توده مردم بسی فراتر از آن بود که حک و اصلاح و امتیاز ناچیز بتواند جواب‌گوی آن باشد. لذا مبارزات مردم، «اصلاح‌طلبان» حکومتی را به عقب راند و از دیگر سو، هراسی که این مبارزات در میان هیات حاکمه انداخت، جناح دیگر هیات حاکمه را به سدی بر سر راه پیش‌برد برنامه جبهه دوم خرداد تبدیل کرد.

بهبود اوضاع وعده داده شده بود، اما وضع وخیم‌تر شد. بحران اقتصادی نه تنها حل نشد، بلکه تنها نتیجه «اصلاحات» خاتمی در عرصه اقتصادی که در واقع ادامه همان سیاست‌های رفسنجانی بود، فاجعه‌بارتر شدن وضعیت مادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان، تنزل هولناک سطح معیشت آنان، اخراج صدها هزار کارگر، سلب اغلب حقوق و مزایایی که در مبارزات به دست آورده بودند، به تعویق افتادن مداوم دستمزدها، و محروم ساختن متجاوز از دو سوم کارگران حتی از حقوقی بود که در قانون کار خود رژیم به رسمیت شناخته شده بود. فقر، ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. میلیون‌ها تن بر تعداد بیکاران افزوده شد. کار کودکان، و پدیده کودکان خیابانی چهره نظام ستم‌گرانه حاکم را عریان‌تر ساخت. اعتیاد، فحشا، و خودکشی ابعاد بی‌سابقه‌ای یافت. و این همه در حالی است که در تمام این سال‌ها طبقه سرمایه‌دار و نمایندگان و

کارگزاران اصلی دستگاه دولتی، سرمایه و ثروت‌های افسانه‌ای اندوخته‌اند.

در عرصه سیاسی هم اختناق و سرکوب تشدید شد. معه‌ذا این سرکوب نتوانست مردم را مرعوب نماید. مبارزات وسعت و اعتلا بیش‌تری گرفت. بخش‌های وسیع‌تری از مردم به مبارزات علنی پرداختند. اعتصابات، تظاهرات، راهپیمایی‌ها و تجمعات کارگران وسعت روزافزونی یافت و کارگران به مبارزه فراکارخانه‌ای روی آوردند. مبارزات کارگری از سطح کارخانه‌ها به سطح خیابان‌ها کشیده شد و در پیوند با مبارزه سایر اقشار زحمتکش اجتماع روز بروز ابعاد گسترده‌تری یافت. زنان نه فقط در جنبش‌های کارگری، دانش‌جویی، جنبش‌های اعتراضی توده‌ای در شهرها نقش فعال‌تری بر عهده گرفتند، بلکه جنبش اعتراضی خود زنان نیز بالفعل‌تر شد. وسعت گرفتن جنبش‌های اعتراضی توده‌ای در شهرهای مختلف، تظاهرات پی‌درپی جوانان، اعتراضات مستمر دانش‌جویان، اعتصابات و تظاهرات معلمان، همگی حاکی از رشد و اعتلای مبارزات و تشدید بحران سیاسی موجود است.

جمهوری اسلامی و همه جناح‌ها و گروه‌های آن در عمل نشان داده‌اند که هیچ راه حلی برای مهار این بحران ندارند. چشم‌اندازی که در برابر ما گسترده است، ژرف‌ترشدن بحران سیاسی و فرارویی اعتلای جنبش‌های اجتماعی و مبارزات توده‌ای به یک انقلاب سراسری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و دگرگونی نظم موجود است. اما این هنوز به این معنا نیست که تلاش‌های ارتجاعی

بورژوازی برای بدیل‌سازی در برابر انقلاب و جنبش‌های اعتراضی به پایان رسیده است.

بورژوازی داخلی و بین‌المللی از هم اکنون در تلاش برای علم‌کردن بدیل‌های دیگری در داخل و در خارج از رژیم برای مهار انقلاب‌اند. آن‌ها تلاش خواهند کرد تا با وعده و وعیدهای جدید، سیر بالنده مبارزات را مهار کنند و نگذارند این مبارزات به اشکال عالی‌تر و به یک انقلاب بیانجامد. مسلم است که آن‌ها هیچ چیز جدیدی برای توده مردم و تحقق مطالبات آن ندارند. آن‌ها نمی‌توانند مطالبات زنان را بپذیرند. آن‌ها مرتجع‌تر از آن هستند که حتی مطالبات فوری کارگران را عملی سازند، آن‌ها نمی‌توانند رفاه و یک زندگی در شان انسان را برای توده‌های مردم زحمتکش تامین کنند. آن‌ها در عرصه اقتصادی چیزی فراتر از آنچه هم‌اکنون خاتمی در حال اجرای آن است، و این همه فلاکت و فقر و بدبختی به بار آورده است، در چنجه ندارند.

۴ _ با این چشم‌انداز که جنبش کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان اعتلا می‌یابد و بحران عمیق‌تر می‌شود، وظیفه‌ای که در برابر ما قرار گرفته است، تلاش و مبارزه برای ارتقا هرچه بیش‌تر سطح مبارزه توده‌ای و اعتلای آن، رادیکالیزه شدن جنبش‌های اجتماعی، سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه‌داری، و استقرار حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان در ایران است.

برای تحقق این اهداف وظایف زیر را در دستور کار خود قرار می‌دهیم:

- ۱_ دفاع از استقلال طبقاتی کارگران؛
- ۲_ تلاش سیاسی و تشکیلاتی و تبلیغاتی به منظور تقویت و تحکیم موقعیت طبقه کارگر در جنبش همگانی؛
- ۳_ تلاش برای سازمان‌دهی طبقه کارگر و تامین هژمونی این طبقه بر مبارزات اجتماعی؛
- ۴_ دفاع از مطالبات دمکراتیک، رفاهی و آزادی خواهانه عمومی توده مردم از موضع طبقه کارگر؛
- ۵_ افشای تمام تلاش‌های ارتجاعی و آلترناتیوهای بورژوازی اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه و برملا کردن محتوای واقعی وعده‌های اصلاحی آنان؛
- ۶_ تبلیغ و ترویج وسیع این نگرش در میان گسترده ترین بخش توده‌های کارگر و زحمتکش که بدون سرنگونی بورژوازی و دگرگونی نظم اقتصادی_ اجتماعی سرمایه داری، تحقق اساسی ترین خواست‌های آنان امکان پذیر نیست.

قطعه‌نامه درباره جنبش زنان

نظر به این که:

— در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، زنان به قربانیان بلاواسطه سیاست‌ها و تفکرات عقب‌مانده، زن ستیز و مردسالارانه حاکم بر جامعه تبدیل شده‌اند؛

— رژیم جمهوری اسلامی، با اجرای فرامین مذهبی زن را از مقام یک انسان صاحب اختیار در امور زندگی خویش، به ابزاری برای تحکیم سلطه و ارضای نیازهای مردان تنزل داده است؛

— مساله ستم جنسی تنها مربوط به ایران و تفکر مذهبی نیست. سرمایه‌داری در تمام جهان با انطباق خود با ساختارهای مردسالارانه، دید ابزاری نسبت به زن را ترویج کرده و از پورنوگرافی، فحشا و...، «صنعت» ساخته و با استثمار همه‌جانبه زنان در این «صنایع» ثروت‌های نجومی برای صاحبان و گردانندگان‌اش به بار آورده است؛

— در تولید سرمایه‌داری، زنان به واسطه فرودست بودن یا اصلاً حقوقی دریافت نمی‌کنند و یا از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند. در آن دسته از رشته‌های تولید نیز که عموماً با نیروی کار زنان اداره می‌شود، به طور عموم از امکانات رفاهی، حقوقی و

صنفی کم‌تری برخوردارند؛

— در تقابل با این استثمار مضاعف، تفکر سوسیالیستی در عرصه جهانی به این نکته تاکید کرده است که ستم جنسی یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر نظم سرمایه‌داری بوده و مبارزه برای رفع ستم طبقاتی و مبارزه برای رفع ستم جنسی آن‌چنان در هم تنیده شده که پیش‌برد هیچ‌یک بدون دیگری ممکن نیست؛

— با آغاز اولین حرکت‌های سوسیالیستی در ایران، فعالین این جنبش با فرهنگ مردسالار و خرافات زن‌ستیز مذهبی — که نیمی از جامعه را به انقیاد کشیده است — به مبارزه برخاستند؛
— جنبش چپ در ایران — در دوره‌هایی از حیات قریب به یک قرن خود — توانسته است شایسته‌ترین چهره‌های سیاسی — اجتماعی زن را به جامعه ارائه دهد؛

— اما به دلیل نبود انسجام فکری لازم در زمینه پیوند دو جانبه جنبش زنان و جنبش کارگری به مثابه دو محور لاینفک مبارزه با ستم اجتماعی — در دوره‌هایی — چپ ایران نتوانسته است رسالت خود را در قبال جنبش زنان پیش‌برد و در نتیجه، به ویژه پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، میان جنبش چپ ایران و جنبش سیاسی برای کسب حقوق زنان شکاف جدی افتاد؛

از این رو:

— جنبش چپ و کمونیستی ایران، موظف است پیوند اساسی و منطقی بین مبارزه برای رفع اشکال مختلف ستم ایجاد کرده، با تاکید بر این که سوسیالیسم موظف به پاسخ قطعی به مساله زنان و ستم جنسی است، به مبارزه با انعکاس فرهنگ مردسالاری در درون جنبش کارگری بپردازد و به طور هم‌زمان سازمان‌دهی زنان سوسیالیست درون جنبش زنان را تقویت کند.

— اتحاد انقلابی نیروهای چپ و کمونیست ایران فصل مشترک جنبش کارگری و جنبش زنان را حول خواسته‌های زیر سازمان می‌دهد:

۱- جدایی کامل دین از دولت و کوتاه کردن دست ارگان‌های

مذهبی و سلطه تفکرات مذهبی از زندگی زنان؛

۲- برسمیت شناختن حق زنان برای کنترل جنسیت خویش، انتخاب

شریک زندگی، کنترل بارداری، انتخاب شغل و انتخاب آزادانه

پوشش؛

۳- لغو فوری همه قوانین و مناسبات مبتنی بر تبعیض جنسی و

تأمین برابری کامل زنان و مردان در حقوق فردی، اجتماعی،

سیاسی و اقتصادی؛

۴- مبارزه با همه عقاید و سنت‌های مردسالار و پدرسالار و

برنامه‌ریزی ویژه اجتماعی برای برچیدن همه آثار و بقایای جامعه

مردسالار از زندگی فردی و اجتماعی زنان؛

۵_ مقابله با اعمال خشونت علیه زنان و لغو کلیه قوانینی که اسارت و بردگی زنان را در جامعه و خانواده تداوم می بخشد.

قطعنامه در رابطه با جنبش کارگری

نظر به این که:

بحران حاکم بر اقتصاد جامعه، تاثیرات بلافصلی بر شرایط کار و زیست طبقه کارگر ایران برجای گذارده است، سیاست‌های نئولیبرالی اقتصادی که طبقه حاکم به تبع بورژوازی جهانی برای مقابله با بحران در پیش گرفته است، به تشدید استثمار و بیکارسازی‌های گسترده انجامیده و عدم امنیت شغلی کارگران شاغل را دامن زده است. سطح دستمزدها در قیاس با نرخ تورم مداوما سقوط کرده و سطح معیشت کارگران به طور مطلق کاهش یافته است، بخش اعظم کارگران در فقر مطلق بسر می‌برند، فقر و بیکاری توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش، تلفیق دین و دولت، سرکوب و اختناق سیاسی به رشد بی‌سابقه مصائب اجتماعی انجامیده است. مصائبی از قبیل اعتیاد، فحشا، و خودکشی در اثر فقر، و عدم اعتماد به آینده، در ابعاد بی‌سابقه و تکان‌دهنده‌ای افزایش یافته‌اند.

نظر به این که:

پایین بودن سطح دستمزدها، بیکارسازی‌ها، بستن کارخانه‌ها، اخراج‌های دسته‌جمعی، و در یک کلام سرشکن کردن بار بحران بر دوش کارگران، مقاومت و مبارزه را در میان کارگران بخش‌های مختلف اقتصاد و در مناطق مختلف کشور دامن زده است، طبقه کارگر اگر چه از حق تشکل، حق اعتصاب و تظاهرات محروم است، اما کارگران برای طرح خواست‌هایشان و بیان اعتراض خود به این شرایط تحمیلی، ماهانه ده‌ها حرکت مبارزاتی برگزار می‌کنند. مبارزات طبقه کارگر در مرحله کنونی گرچه هنوز در وجه عمده به اعتراضات خودانگیخته که عموماً جنبه

دفاعی دارند، محدود می‌شود اما در عین حال پیچیدگی مبارزه طبقه کارگر را در یک جامعه سرمایه‌داری که با سیاست سرکوب‌عریان و خشن اداره می‌شود، بازتاب می‌دهد، طبقه کارگر به ویژه طی سال‌های اخیر با به‌کارگیری اشکال بس‌متنوع مبارزاتی از قبیل اعتصاب، تحصن، تظاهرات، راهپیمایی در خیابان‌ها، بستن جاده‌ها، و تجمع در مقابل مراکز دولتی، محدودیت‌ها و نبایدهای قانونی را پشت‌سر گذاشته است. کارگران با مبارزات آشکار خود در عمل حق اعتصاب، اعتراض، تظاهرات و راهپیمایی را به کف آورده‌اند و به این مفهوم، طبقه کارگر همچنان که برای کسب مطالبات روزمره و رفاهی خود مبارزه می‌کند، پیش‌قراول مبارزه در راه کسب آزادی‌های سیاسی نیز هست. و از این رو، اعتراضات طبقه کارگر در سطح تائکونونی نیز نه فقط به لحاظ نقش این مبارزات در آموزش، تشکل و آمادگی طبقه کارگر برای رویارویی‌های بزرگ با طبقه بورژوا، حائز اهمیت بسیار است، بلکه به لحاظ تاثیر آن بر دمکراتیزه کردن فضای سیاسی و رادیکالیزه کردن مبارزات سایر اقشار جامعه، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

نظر به این‌که:

حاکمیت خفقان و سرکوب در ایران نبود آزادی‌های سیاسی در ایران، تاثیرات مخرب خود را بر سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر برجای گذاشته است و این طبقه علی‌رغم مخالفت و مبارزه با نظم موجود از آگاهی و تشکل کافی بهره‌مند نیست، و فاقد تشکل‌های طبقاتی است.

نظر به این‌که:

با تشدید مبارزه طبقه کارگر علیه نظم موجود، طبقه حاکم

نیز تمامی تلاش خود را برای سترون کردن این مبارزات به کار خواهد گرفت، با استفاده از اشکال بسیار متنوع و بس پیچیده می‌کوشد شعارهای کارگری را از روح انقلابی آن تهی سازد، و مرز میان مبارزات مستقل طبقه کارگر با شعارهای انحرافی و دیکته شده نهادهای بوروکراتیک و ارتجاعی به اصطلاح کارگری را در هم بریزد، اگر سلطنت طلبان، «اصلاح طلبان» اسلامی، و جمهوریخواهان با طرح شعارهایی در حوزه آزادی‌های مدنی این توهم را اشاعه می‌دهند که در چهارچوب نظام موجود می‌توان به این خواست‌های دمکراتیک دست یافت، در سطح جنبش کارگری با طرح سر و دم بریده برخی مطالبات کارگری تلاش دارند مبارزه کارگران را به چهارچوب نظم موجود محدود کنند.

نظر به این که:

سرنوشت انقلاب پیش‌رو به میزان آگاهی و سازمان‌یافتگی طبقه کارگر گره خورده است، و مساله تنها تحقق مطالبات خود طبقه کارگر نیست، بلکه پاسخ به این سوال نیز هست که چه میزان از مطالبات دمکراتیک توده مردم تحقق خواهد یافت؟ آیا انقلاب آتی به این هدف دست می‌یابد که یک بار برای همیشه دولت را از چنگ دین رها سازد و خرافات مذهبی را به زباله‌دان تاریخ بسپرد؟ آیا انقلاب آتی قادر است حقوق زنان را به شکلی قاطع و رادیکال تضمین کند و با تمام قوانین و مقررات قانونی و عرفی زن ستیز تعیین تکلیف نماید؟ آیا انقلاب آتی سرانجام خواهد توانست عطش میلیون‌ها انسان تحت ستم به آزادی، و بهره‌مند بودن از یک زندگی انسانی را با پاسخ‌گویی به این نیازها فرونشاند؟ آیا سوسیالیسم بر ویرانه نظم موجود برقرار خواهد شد؟ و تحقق این مطالبات تنها و تنها به

این مساله بستگی دارد که طبقه کارگر با چه میزانی از
آمادگی در انقلاب شرکت نماید، چگونه سیاست مستقل
خود را در تمایز با تمام اقشار و طبقات دیگر که هریک
به نحوی با جامعه موجود پیوند دارند و به درجاتی
خواهان حفظ نهادها و موسسات عقب مانده و ارتجاعی اند،
پیش برد.

لذا اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران:
دفاع از مطالبات و مبارزات و اهداف طبقه کارگر را در سرلوحه
وظائف خود قرار می دهد، برای استقرار شوراهای کارگران و
زحمتکشان و تحقق شعار حکومت کارگری مبارزه می کند، با اتکا
به مبارزه مستقل کارگری، و تاکید بر سیاست مستقل طبقه کارگر
برای شکل دهی به صف مستقل این طبقه در برابر تمامی اقشار و
طبقات دیگر تلاش می کند.

از این رو:

۱- ما هرگونه تلاش جریانات رفرمیست را که می کوشند
مبارزه طبقه کارگر را به دایره مناسبات موجود محدود
سازند، قاطعانه افشا و رد می کنیم.
۲- ما از مبارزات روزمره کارگران که برای بهبود شرایط
کار و معاش شان صورت می گیرد، پیگیرانه حمایت
می کنیم. طبقه کارگر می بایست در مبارزات روزمره خود
به هر میزان که در توان دارد، طبقه سرمایه دار را به عقب
بنشانند و از شرایط مساعدی که ایجاد می کند، برای
تنفس، برای تمدید قوا و در جهت بهبود موقعیت و
سازمان دهی خویش استفاده نماید. اما در همان حال
رفرمیسم را که تلاش دارد کارگران را با این دستاوردهای
کوچک دل مشغول دارد و افق طبقاتی مبارزه کارگران را
کور کند و مبارزه آنان را در چهارچوب نظم استثمارگرانه

موجود محدود نماید، قاطعانه افشا خواهیم کرد.

۳- تجربه مبارزات چند سال اخیر کارگران بهترین گواه این امر است که هر جا مبارزه‌ای جدی سازمان‌دهی شده، نقش اصلی را کارگران پیشرو و محافل متشکل آنان بر عهده داشته‌اند، و شوراها و انجمن‌های اسلامی و خانه کارگر در پوشش حمایت از مطالبات کارگران، تلاش کرده‌اند این مبارزات را محدود کرده و به مسیر دل‌خواه خویش بکشانند، و در چانه‌زنی‌های جناح‌های درونی رژیم از آن بهره بگیرند. ما، پیشروان کارگری، را فرا می‌خوانیم با درایت تلاش‌های عوامل بورژوازی در جنبش کارگری را که می‌کوشند این جنبش را عقیم بگذارند، خنثی نمایند و با تاکید بر تجارب عینی مبارزات طبقه کارگر، این حقیقت را به کارگران نشان دهند که هر دستاورد طبقه کارگر، نتیجه مبارزه متشکل و مستقل این طبقه است و لاغیر.

ما از تشکل‌های کارگری که از پائین و به ابتکار خود کارگران ایجاد شده باشند دفاع می‌کنیم و تشکل‌های ارتجاعی- بوروکراتیک دولتی را قاطعانه مردود می‌شماریم.

پیام به زنان مبارز ایران

زنان مبارز و آزادی خواه!

سومین نشست نیروهای کمونیست و چپ ایران، در اواسط سال ۱۳۸۲، در حالی برگزار گردید که جامعه ایران، دوره بسیار حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذراند. اعتراض کارگران، جوانان، دانش جویان، معلمان و شما زنان آزادی خواه و برابری طلب برای رهایی از نکتت جمهوری اسلامی در حال رشد و گسترش است.

ستم کشی زنان، یک مساله تاریخی و جهانی است. زنان قرن هاست که در همه جوامع، در موقعیت فرودست قرار دارند. البته شدت و ضعف این فرودستی به شرایط مشخص هر جامعه، سطح رشد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نفوذ مذهب و سنن و آداب رایج در جامعه، به پیشرفت جنبش کارگری، نقش نیروهای آگاه، و به ویژه به سطح مبارزه متشکل زنان برای رهایی بستگی دارد. از این رو شرایط زیست و زندگی زنان و ستم کشی آنان در کشورهای آفریقایی و آسیایی، بسیار دردناک تر است.

در این میان محدودیت ها و فشارهایی که در کشورهای نظیر ایران، حاکمیت مذهبی، به زور سرنیزه قوانین و سیاست های قرون وسطایی اش را در همه شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به جامعه و به ویژه شما تحمیل می کند، غیرقابل تحمل و وحشیانه است. زیرا در همه ادیان و به خصوص در نزد

افکار پوسیده اسلامی سردمداران جمهوری اسلامی، زن به عنوان یک انسان مستقل و صاحب وجود خویش به رسمیت شناخته نمی‌شود. سردمداران جمهوری اسلامی، با اتکا به قوانین اسلامی، شما را نصف انسان می‌نامند و وادار می‌سازند، بدون چون و چرا از «اوامر» مرد، به عنوان رییس خانواده تبعیت کنید. این رژیم، حتی به دختران خرد سال نیز رحم نمی‌کند و والدین مسلمان را تشویق می‌کند، کودک خردسال خود را شوهر دهند؛ چنین عملی تجاوز آشکار به جسم و روان کودک است. علاوه بر همه این وحشی‌گری‌ها دختران «باکره» که به اعدام محکوم می‌شوند قبل از اعدام نخست تحت موازین اسلامی مورد تجاوز زندان‌بانان، شکنجه‌گران و پاسداران رژیم قرار می‌گیرند و سپس به جوخه اعدام سپرده می‌شوند.

زنان مبارز!

در حالی که فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی مخالف و تشکل‌های مستقل کارگری در ایران ممنوع است؛ با وجود این که اختناق و تهدید و ترور بر جامعه ایران حاکم فرماست؛ با وجود این که علاوه بر نیروهای رسمی انتظامی، فرقه‌های سرکوبگر غیررسمی مختلفی مانند انصار حزب‌الله، امر به معروف و نهی از منکر، خواهران زینب، و هزاران قداره‌بند حزب‌اللهی در خیابان‌ها و تجمعات، زنان و دختران را مورد تحقیر و دشنام قرار می‌دهند و سرانجام با وجود سرکوب‌های غیرانسانی، شکنجه و اعدام شما زنان

مبارز و آزادی خواه و برابری طلب، هرگز مرعوب این رژیم جانی و آدم کش نشده و هم چنان به مبارزه و مقاومت خود در مقابل جنایات و ستم های رژیم جمهوری اسلامی ادامه می دهید.

قوانین اسلامی ضد زن جمهوری اسلامی و سرکوب سیستماتیک زنان، سبب شده است که گرایش مردسالاری بیش از پیش تقویت شده و شوهران، پدران و برادران ناموس پرست مذهبی و مردسالار، حتا از آزادی عمل کشتن زنان نیز برخوردار شوند، بدون این که تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

از سوی دیگر زندگی زنان خانه دار و کارگر، به مراتب فلاکت بارتر و غیرقابل تحمل تر است. زنان خانه دار که کارهای سخت و طاقت فرسای خانه را انجام می دهند از هیچ گونه حقوقی برخوردار نیستند. کارگران زن، در محیط کار، علاوه بر تبعیض و نابرابری، نه تنها به کارهای سخت وادار می شوند، بلکه دستمزد ناچیزی نیز دارند.

کلیه دم و دستگاه جمهوری اسلامی، در ۲۵ سال گذشته سعی کرده اند تا از دخالت زنان در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جلوگیری به عمل آورند، اما شما زنان، با مبارزه و مقاومت خود بسیاری از سیاست های آنان را نقش بر آب کرده اید. شما، علیه همه این تزییقات و وحشی گری های رژیم و برای دستیابی به جایگاه شایسته انسانی و اجتماعی خود، دست از مبارزه نکشیده اید.

بدین ترتیب شما زنان در همه نقاط دنیا، به ویژه در ایران مورد

تهاجم، تحقیر، توهین، تجاوز و مورد ستم جنسی و طبقاتی قرار می‌گیرید؛ از تحصیل محروم می‌گردید؛ از بهداشت لازم برخوردار نمی‌شوید؛ حق انتخاب آزادانه شریک زندگی خود را ندارید و مجبور به ازدواج‌های اجباری می‌گردید؛ به زایده مردان تبدیل می‌شوید؛ مورد آزار و اذیت و اهانت قرار می‌گیرید؛ قربانیان اولیه جنگ‌های خانمان‌سوز هستید و مورد تجاوز قرار می‌گیرید؛ در زندان‌ها مورد تجاوز زندانبانان قرار می‌گیرید؛ شهروند درجه دوم محسوب می‌شوید؛ بیش‌ترین قربانیان بیماری‌های ایدز و دیگر بیماری‌های مقاربتی هستید؛ به کارهای طاقت‌فرسای خانگی، مشاغل غیررسمی، موقتی و سخت گمارده می‌شوید و دستمزدتان در مقابل کار برابر نسبت به همکاران مرد، بسیار کم‌تر است؛ اولین قربانیان بیکارسازی‌ها هستید؛ در کشورهای نظیر ایران، حتا از آزادی پوشش نیز محرومید و... در یک کلام، از پایه‌ای‌ترین و بدیهی‌ترین حقوق انسانی محروم هستید و این محرومیت و بی‌حقوقی‌ها در سیستم‌های سرمایه‌داری و امپریالیستی حدود و ثغوری ندارد.

در چنین وضعیتی مبارزات رهایی‌بخش شما، برای خاتمه دادن به این ستم‌کشی‌ها باید افق طبقاتی فراگیر و جهان‌شمول داشته باشد تا به اهداف انسانی و اجتماعی و برابری طلبانه خود دست پیدا کند.

رفقای زن!

مسلمما هیچ انقلابی بدون دخالت و حضور مستقیم زنان به ثمر

نمی‌رسد. شما قدرت عظیم اجتماعی خود را در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب ۱۳۵۷ ایران و... نشان داده‌اید.

بنابراین بسیار مهم و حائز اهمیت است که جنبش خود را با جنبش کارگری پیوند دهید و در صفوف مقدم جنبش طبقاتی قرار گیرید.

شما زنان پیشرو، انقلابی، برابری طلب، آزادی خواه، چپ و کمونیست، دوش به دوش مردان هم‌رزم و هم طبقه‌ای خود با انقلاب اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون خواهید کرد و با برپایی حکومت کارگری، دوران جدیدی را در تاریخ ایران خواهید گشود.

با در نظر گرفتن موقعیت متحول اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، و با در

نظر گرفتن موقعیت اجتماعی زنان، سومین نشست نیروهای کمونیست و چپ، مبارزه زنان را برای رهایی جامعه از یوغ و ستم سرمایه‌داری و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، امری مهم، اجتماعی و ضروری دانست و بر تقویت همه جانبه این جنبش تاکید کرد.

پیام به جوانان و دانش‌جویان آزادی‌خواه

شما جوانان و دانش‌جویان، همواره به مبارزه خود علیه رژیم جمهوری اسلامی، در سنگر مبارزه برای تحقق آزادی و برابری ادامه می‌دهید. چرا که مبارز علیه زورگویی و ستم و استثمار این رژیم، تنها راه رهایی و راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های انسانی و رسیدن به جامعه‌ای آزاد و برابر و به ویژه برخورداری از روابط و مناسبات بهتر و انسانی‌تر برای بارور کردن خلاقیت‌های انسانی است.

اکثریت جوانان و دانش‌جویان کشور، بدون در نظر گرفتن موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، حق طبیعی‌شان است که از تحصیل و بهداشت رایگان برخوردار گردند. اما در اثر عملکرد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی، صدها هزار کودک، به جای این که راهی مدرسه شوند و از یک زندگی شاد و شایسته انسان برخوردار باشند، به کارهای سخت و خطرناک وادار شده‌اند. میلیون‌ها جوان تحصیل کرده بیکار هستند. آنان با توجه به شرایط موجود، چندان امیدی به پیدا کردن شغل و زندگی مستقل در حاکمیت جمهوری اسلامی ندارند. در حالی که اقلیتی از فرزندان سرمایه‌داران و نزدیکان سردمداران رژیم و «فرزندان‌شان» در ثروت‌های بادآورده در ناز و نعمت می‌لوندند. بنابراین تلاش نیروی جان و پرنرژی برای تغییر شرایط موجود بسیار مهم و حائز اهمیت است.

رژیم جمهوری اسلامی در چنین شرایطی، حرکت های اعتراضی جوانان و دانش جویان را شدیداً سرکوب می کند و حرکت های آزادی خواهانه آنان را به خاک و خون می کشد. برای نمونه می توان به سرکوب وحشیانه دانش جویان در تیر ماه ۷۸، اشاره کرد. دانش جویان، در این دوره در طول پنج شبانه روز، در مقابل یورش و تهاجم وحشیانه نیروهای انتظامی و انصار حزب الله، مبارزه و مقاومت کردند و اکنون نیز با تجربه تر و شفاف تر از گذشته هم چنان به مبارزه خود علیه کلیت رژیم ادامه می دهند.

سنت مبارزاتی دانش جویان در دوره رژیم دیکتاتوری سلطنتی، حمایت از جنبش های رادیکال، چپ و کارگری سوسیالیستی بود، در این دوره نیز پیشروان جنبش دانش جویی وظیفه سیاسی و اجتماعی دارند که این سنت تاریخی را زنده و تقویت نمایند.

یکی از عرصه های مهم مبارزات آزادی خواهانه جوانان و دانش جویان و کل سیستم آموزشی کشور، بر علیه هر گونه تبعیض، آپارتاید جنسی و جدایی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش است. طبیعی ست که مذهب باید کاملاً امر خصوصی افراد تلقی شود. از این رو به نفع کل جامعه است که دست مذهب از دخالت در امور دولتی و آموزشی کوتاه گردد.

مسلم است که بدون ارتباط، پیوند و هماهنگی جنبش های دیگر از جمله جنبش پیشرو و رادیکال جوانان و دانش جویان با جنبش کارگری، دستیابی به جامعه انسانی ناممکن است. از این رو نیاز جامعه طبقاتی و مبارزه اجتماعی این است که جنبش جوانان و

دانش جویان با جنبش کارگری در پیوند تنگاتنگ قرار گیرد. فقط از این طریق می‌توان از شر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی راحت شد و حکومت کارگری و شورایی بر پا کرد. حکومتی که آزادی‌های فردی و جمعی را تضمین می‌کند؛ امکانات اجتماعی را به طور برابر و یکسان بین شهروندان توزیع می‌نماید؛ به سرکوب و خشونت، تهدید و ترور، اختناق و سانسور، شکنجه و اعدام و استثمار خاتمه می‌دهد و عدالت اجتماعی، آزادی، برابری و رفاه همگانی را برای کل شهروندان جامعه به ارمغان می‌آورد.

جوانان و دانش جویان مبارز و انقلابی

ما «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، در هر شرایطی در کنار شما برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های انسانی‌تان هستیم. انتظار جامعه از شما این است که هم‌گام و هم‌دوش با نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب، کمونیست و چپ، برای خاتمه دادن به زور و ستم و استثمار انسان از انسان مبارزه‌تان را تشدید کنید. زیرا راه اساسی، تاریخی و اجتماعی که در جهت رشد و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های جوانان برای ساختن یک جامعه انسانی، آزاد، برابر، شاد و مرفه گام بردارد، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری و شورای کارگران و زحمتکشانشان است. در این راه بکوشیم.

پیام به زندانیان سیاسی

رفقای انقلابی، دوستان مبارز!

سومین اجلاس ما، در شرایطی برگزار گردید که رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی به انزوا کشیده شده است. مبارزات اجتماعی کارگران و زحمتکشان، جوانان، زنان، دانش‌جویان و روشنفکران هر روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد و تمایل به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری اجتماعی بیش از پیش به جلو صحنه کشیده شده و به خواست عمومی مردم بدل گردیده است. «اصلاح طلبان» حکومتی که تاکنون کوشیده‌اند بر پیش روی جنبش‌های انقلابی مردم لگام زده و این مبارزات را در چهارچوب حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی محدود و محصور سازند، اکنون تماما نزد مردم بی‌اعتبار گشته و ماهیت دروغین شعارهای فریب‌کارانه آن‌ها بر همگان آشکار گردیده است. افزون بر این، با افشا شدن نقش کارگزاران موثر رژیم در جنایات دو دهه اخیر در سطح داخلی و بین‌المللی، اکنون این رژیم تحت فشارهای جدی سیاسی و اقتصادی از سوی جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. بر چنین زمینه‌ای از انزوای بین‌المللی و توسعه و تعمیق مبارزات اجتماعی در داخل، که بازتاب امواج آن را در خیزش‌های گسترده مردمی ماه‌های خرداد و تیر ۸۲ شاهد بودیم، رژیم جمهوری اسلامی که موقعیت و موجودیت خود را در معرض خطر جدی یافته است، یورش‌های گسترده‌ای را برای سرکوبی هر گونه صدای حق‌طلبانه و آزادی‌خواهانه در ایران سازمان داده و هزاران مبارز و انقلابی را در سراسر کشور به اسارت خود درآورده و می‌کوشد تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌های روحی و جسمی، آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی، ندامت و یا سکوت نماید. زندان سیاسی در ایران همیشه به عنوان یک سنگر مقاومت،

نمایشگر برشی از مبارزه در درون جامعه بوده و هست. مقاومت و پایداری شما تحت همه شرایط غیرانسانی حاکم بر زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی، بیانگر خواست و اراده مردمی است که دیگر حاضر به تحمل وضع موجود نیستند و علی‌رغم فضای رعب و وحشت سنگینی که رژیم بر جامعه حاکم گردانیده است، از هر طریقی ممکن دست به مقاومت و اعتراض می‌زنند. در مقابله با این چنین جنبش رو به رشدی است که زندان به مثابه یک ابزار سرکوب، جهت در هم شکستن و نابودی مبارزین انقلابی و کمونیست و آزادی‌خواه به میزان بس عظیمی توسط رژیم به خدمت گرفته می‌شود. ما یک‌بار در تابستان سال ۶۷ شاهد بودیم که چگونه رژیم پس از سال‌ها اعمال فشار روحی و جسمی بر زندانیان سیاسی، شکست خورده در تحقق اهداف توسعه طلبانه خود و ناتوان از در هم شکستن مقاومت مبارزین زندانی، تصمیم به کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی گرفت. این واقعه نشان می‌دهد، در هنگامی که رژیم در وضعیتی شکننده قرار می‌گیرد و موجودیت خود را در معرض خطر می‌بیند، امکان کشتار زندانیان سیاسی مقاوم و مبارز، یک امر محتمل خواهد بود. به همین دلیل در شرایط کنونی که رژیم تحت فشارهای فزاینده داخلی و بین‌المللی قرار دارد، احتمال کشتار زندانیان سیاسی را نباید دست‌کم گرفت. با این حال روشن است که مبارزین در بند، تنها با پایداری و مقاومت خود است که می‌توانند این سنگر مقاومت و مبارزه پیچیده و دشوار را مستحکم نموده و نقشه‌های رژیم را در درهم شکستن روحیه مبارزاتی در جامعه به شکست بکشانند. در عین حال باید تاکید نمود که نیروهای کمونیست و انقلابی در داخل و خارج از کشور با سازمان‌دادن یک کمپین مبارزاتی و جلب افکار عمومی داخلی و بین‌المللی بر محور خواست آزادی تمامی زندانیان سیاسی و پشتیبانی از زندانیان سیاسی، می‌توانند نقش بسیار مهمی در افشای رژیم و بازداشتن آن از انجام چنین اقدام جنایت‌کارانه ایفا کنند.

اکنون که هزاران مبارز کمونیست و انقلابی در اسارت رژیم، در شرایط بسیار دشوار و تحت شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی قرار دارند، ما شاهد برپائی حرکتی در دفاع از برخی زندانیان سیاسی وابسته به جریان «اصلاح طلب» حکومتی هستیم. که با عمده کردن آن‌ها عملاً زندانیان کمونیست و مبارز را از شمار زندانیان سیاسی خارج می‌نمایند. این حرکت یک‌جانبه، محدود و درون‌گروهی «اصلاح طلبان» حکومتی مفهومی جز مخدوش نمودن مسئله اساسی زندان و زندانیان سیاسی نداشته و در عمل به معنی تضعیف مبارزه انقلابی توده‌های مردم علیه هر شکل از زندان و زندانیان سیاسی است.

از نظر ما مسئله اساسی این است که اصولاً نباید کسی را به خاطر عقاید سیاسی و دفاع از آزادی‌های اجتماعی به اسارت کشید. ما خواهان آزادی بیان و تشکل برای همه و خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی با هر عقیده و مرام می‌باشیم. از این روست که ما با نفس زندان، زندانیان سیاسی، شکنجه و اعدام مخالف بوده و خواستار در هم شکستن ماشین دولتی سرکوبگر با تمامی ابزارهای ستم‌گری‌اش هستیم.

پیام به طبقه کارگر ایران

رفقای کارگر!

ما شرکت کنندگان در سومین نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ که در اواسط مهرماه ۸۲ برگزار گردید، گرم‌ترین دروهای خود را به شما تقدیم می‌کنیم. شما کارگران زحمتکشی که، در سخت‌ترین شرایط اقتصادی و اجتماعی به سر می‌برید، اما لحظه‌ای از مبارزه برای کسب حقوق خویش و تلاش برای دستیابی به یک زندگی بهتر و انسانی، باز نایستاده‌اید. شما که در برابر تعرضات مداوم سرمایه‌داران قهرمانانه ایستاده‌اید و مصمم‌اید پیکار خویش علیه زورگویی و ستم و استثمار را تا به آخر دنبال کنید. هزاران اقدام اعتراضی شما، اعتصاب‌ها، راهپیمایی‌ها، تظاهرات‌ها، گردهم‌آیی‌ها، تجمعات اعتراضی و مسدود ساختن خیابان‌ها و جاده‌ها، آن‌هم به رغم حاکم بودن جو سرکوب و خفقان اسلامی و در شرایطی که اعتراض کارگر علیه بی‌حقوقی یا برای کسب حق و حقوق خود «جرم» محسوب می‌شود، آشکارا نشان از عزم و اراده طبقاتی شما در مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر با تمامیت نظام اسارت‌بار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است. رفقای کارگر، ما شرکت‌کنندگان در سومین نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ، مبارزات پیگیر حق جویانه و برابری طلبانه شما را عمیقاً ارج می‌نهیم و در این پیکار طبقاتی خود را جزئی از شما می‌دانیم.

رفقای کارگر!

جامعه ایران اکنون دچار یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی است. این بحران، ناشی از اوج‌گیری بی‌سابقه تضادهای نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران است. طبقه بورژوازی و دولت پاسدار منافع این طبقه، بار این بحران را بردوش طبقه کارگر انداخته و با تعرض به حقوق کارگران و دست‌اندازی به سطح معیشت کارگری، بیش‌ترین لطمات و آسیب‌ها را به طبقه کارگر تحمیل نموده است. اجرای سیاست‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، دامنه فشار بر طبقه کارگر را به حد تحمل‌ناپذیری تشدید نموده است. تعطیل و توقف کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و روند اخراج‌ها و بیکارسازی‌های وسیع همچنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی هر روز به اقدامات جدیدی علیه کارگران دست می‌زند و مجلس آن نیز قوانین دیگری علیه کارگران و برای محدودتر نمودن حقوق کارگران تصویب می‌کند. میلیون‌ها نفر بیکارند و به صف آن‌ها هر روز اضافه می‌شود. کارگران هنوز شاغل، هیچ‌گونه ضمانت شغلی ندارند و در معرض اخراج و بیکاری‌اند. قراردادهای موقت به پدیده‌ای رایج و همگانی تبدیل شده است. دستمزدهای کارگری به موقع پرداخت نمی‌شود. در یک کلام تشدید فشار کار و استثمار، تحمیل فقر، گرسنگی و بی‌حقوقی بیش‌تر بر کارگران، پاسخ بورژوازی حاکم به وضعیت موجود بوده است.

با این همه، اجرای این سیاست‌های ضد کارگری نیز نظام حاکم را از چنگال بحران رها نساخته است. سیاست‌های هر دو جناح رژیم

برای برون رفت از بحران، تماما با شکست روبه رو شده است. این بحران، تضادهای درونی هیئت حاکمه را نیز تشدید نموده و شکاف عمیقی در درون دستگاه دولتی پدید آورده است. تداوم و گسترش مبارزات کارگری، تعمیق بیش از پیش نارضایتی توده‌ای که در اعتراضات متعدد سایر اقشار جامعه از جمله دانش‌جویان و جوانان، زنان و معلمان نیز تجلی یافته است، بازتاب چنین وضعیتی و مبین این واقعیت است که اوضاع داخلی، بیش از پیش به زیان رژیم جمهوری اسلامی رقم خورده است. اوضاع جهانی، به ویژه تغییر و تحولات منطقه و اشغال نظامی عراق نیز، جمهوری اسلامی را با مسائل و مشکلات مضاعفی رودررو نموده است. مجموعه اوضاع و شرایط، نشان‌دهنده این واقعیت است که شرایط برای سرنگونی جمهوری اسلامی، آماده‌تر می‌شود. تجربه یک قرن حاکمیت جمهوری اسلامی نشان داده است که این رژیم از حل بحران و از برآوردن حتا ابتدایی‌ترین مطالبات کارگران و سایر اقشار مردم زحمتکش عاجز است.

درست در این لحظات حساس که حل بحران و پاسخ‌گویی به مسائل و معضلات جامعه، راه حل انقلابی و دگرگونی‌های بنیادی را فراروی کارگران و زحمتکشان قرار داده است، گروه بندی‌های مختلف بورژوازی نیز برای نجات نظام سرمایه‌داری حاکم، سخت به تکاپو افتاده‌اند و سعی دارند با آرایش و پیرایش رژیم و طرح شعارها و تغییراتی در محدوده نظام حاکم، جنبش‌های اعتراضی توده‌ای کارگران و سایر زحمتکشان را منحرف سازند و مانع انقلاب و

دگرگونی‌های بنیادی شوند.

رفقای کارگر!

در برابر این ترفندهای بورژوازی، ما باید هوشیاری خود را دوچندان ساخته و این گونه تلاش‌ها را در هر لباس و پوششی، افشاء کنیم. ما شرکت‌کنندگان در سومین نشست مشترک نیروها و فعالین کمونیست و چپ، ضمن اعلام وفاداری خود به آرمان‌های سوسیالیستی طبقه کارگر، وظیفه خود می‌دانیم توطئه‌های رنگارنگ بورژوازی را برای منحرف نمودن و سرکوب جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خنثی سازیم. ما نیروهایی که در اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران گرد آمده‌ایم موضوع محوری کار خود را جنبش طبقاتی کارگران می‌دانیم و وظیفه خود می‌دانیم به منظور ارتقاء سطح آگاهی و تشکلیابی کارگران، برای تقویت موقعیت طبقه کارگر در جنبش عمومی و تامین هژمونی این طبقه در انقلاب و دگرگونی نظم موجود تلاش کنیم. نظم موجود نظمی سرپا ارتجاعی، ستم‌گرانه و استثمارگری است که جز، نابرابری‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی، جز فقر، بدبختی، گرسنگی، جز بیماری، اعتیاد، فحشاء و ده‌ها مصیبت اجتماعی دیگر از این دست، ارمغان دیگری برای اکثریت مردم زحمتکش جامعه نداشته است. این نظم باید ویران و زیرورو شود. رسالت دگرگونی‌های بنیادی و ریشه‌کن ساختن این مصائب و نابرابری‌ها و نیز بار اصلی مبارزه علیه رژیم حاکم بر دوش طبقه کارگر است. طبقه کارگر می‌تواند و

باید پیشاپیش سایر اقشار زحمتکش جامعه، رهبری این پیکار طبقاتی را به دست گیرد و با سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان، آغازگر پروسه تحولات و دگرگونی‌های بنیادی شود.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد حکومت کارگری!

زنده باد سوسیالیسم!

اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران

مهر ماه ۱۳۸۲

اطلاعیه پایانی نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ ایران

سومین اجلاس «نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ» با حضور نمایندگان و فعالین «حزب کمونیست ایران»، «حزب رنجبران ایران»، «سازمان اتحاد فدائیان کمونیست»، «سازمان فدائیان (اقلیت)»، «سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران»، «هسته اقلیت» و شمار زیادی از فعالین کمونیست در هفته اول ماه اکتبر ۲۰۰۳ میلادی، کار خود را با یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان سوسیالیسم و آزادی آغاز کرد. ابتدا شورای هماهنگی گزارشی از فعالیت‌های خود را ارائه داد و سپس اجلاس با انتخاب یک هیات رئیسه و تصویب دستور جلسه و آیین‌نامه کار خود را رسماً آغاز نمود.

شرکت‌کنندگان در این نشست دیدگاه‌های خود را در مورد موقعیت سیاسی کنونی در ایران، استراتژی و جهت‌گیری‌های سیاسی، پلاتفرم سیاسی مشترک، ساختار سازمانی، ارزیابی از فعالیت‌های تاکتونی و دورنمای آتی این جمع، حول گزارش و اسنادی که شورای هماهنگی در این زمینه‌ها آماده کرده بود، مورد بحث و بررسی قرار دادند.

شرکت‌کنندگان بر ادامه فعالیت براساس نقاط مشترک تاکید داشته و بر این مبنا نشست در ادامه کار خود یک پلاتفرم سیاسی را با اکثریت قاطع آرا تصویب و تصمیم گرفت که قطعنامه‌هایی در زمینه‌های اوضاع سیاسی ایران، جنبش کارگری و جنبش زنان براساس توافقات مندرج در بیانیه نشست اول صادر نماید. سپس اساسنامه ناظر بر فعالیت‌های درونی «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» که از این پس نشست مشترک تحت این نام فعالیت خواهد کرد، به تصویب رسید.

بعلاوه در مورد انتشار یک نشریه سیاسی - خبری تصمیم‌گیری شد و امکانات تبلیغی دیگر (از جمله رادیوی سراسری رو به ایران،

سایت خبری اینترنتی) در نشست مطرح و تصمیم‌گیری در این مورد به عهده شورای هماهنگی منتخب سپرده شد.

پس از تصویب این اسناد اجلاس از میان خود ۹ نفر را به عنوان شورای هماهنگی جدید که عبارت بودند از رفقا: عباس سماکار، نصرت تیمورزاده، فرهاد شعبانی، پروین نیک‌آئین، محمد سلطانی، بابک رحیمی، بهرام رحمانی، حسین خاورانی و اصلان جوادزاده، انتخاب کرد.

اجلاس سوم «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» پس از ۳ روز کار فشرده در میان احساسات گرم رفیقانه شرکت‌کنندگان با امید به تحقق آرمان‌های انسانی کارگری و با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران

۶ اکتبر ۲۰۰۳

*

آدرس سایت اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران:

www.ettehade-engehelabi.org

امیل آدرس:

info@ettehade-engehelabi.org